

حل مسائل زناشویی

SOLVING MARRIAGE PROBLEMS

راه حل های کتاب مقدس
برای مشاوران کلیسا

**Biblical Solutions for
Christian Counselors**

مؤلف : جی آدامز (Jay Adams)
مترجم : شاهرخ صفوی

پیشگفتار نویسنده کتاب

سال های نه چندان دوری بود که پیامبران شوم جهان خیر مرگ کانون ازدواج را برای ما میآوردند. با ظهور زندگی گروهی و اشتراکی، ازدواج های بی قید و شرط، و قرار داد های ازدواج قابل فسخ به عنوان سبک مدرن و ”متمدن“ زندگی، آینده زندگی زناشویی به نحوی که در طول تاریخ ”سنتی“ گردیده بود را غیر قابل دوام میدانستند.

اما با وجود پیش بینی های هولناک این افراد، نه تنها ازواج ها دوام یافته است، بلکه ازدواج های مسیحیان قوی تر از هر زمان گردیده اند. در نتیجه چنین حملاتی به جانب ازدواج، تعلیمات و موعضات بیشتری در خصوص ازدواج ایجاد شده، کتاب های بیشتری نوشته شده، و علاقه زیادی به کسب ”فن مشاوره ای ازدواج در کلیسا“ به وجود آمده است.

پیشگفتار مترجم

این کتاب شامل ۸۰ صفحه می باشد و در نتیجه نمی توان آن را به صورت یک فایل منتشر ساخت. با انتشار جداگانه هر فصل، چاپ آن برای شما سریع تر خواهد بود.

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب ”مقاضی“ نامیده شده، و شخص مشاور نیز ”مشاور“ نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فهرست مطالب

فصل اول: ازدواج نیاز به مشاوره مسیحی دارد	
فصل دوم: ازدواج شخص مشاور	
فصل سوم: چه باعث مسائل زناشویی می شود؟	
فصل چهارم: برداشت هائی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش اول	
فصل پنجم: برداشت هائی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش دوم	
فصل ششم: ترکیبات گناه در زندگی : انواع عمومی	
فصل هفتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی: بخش اول	
فصل هشتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی : بخش دوم	
فصل نهم: اهمیت روابط با دیگران	
فصل دهم: روابطی که ایجاد مسائل می کنند: بخش اول	
فصل یازدهم: روابطی که ایجاد مسائل می کنند: بخش دوم	
فصل دوازدهم: نفوذ های معمول اجتماعی	
فصل سیزدهم: چگونه می توان مسائل زندگی زناشویی را شناسائی کرد	
فصل چهاردهم: خیال ها و راه حل های باطل	
فصل پانزدهم: مقاصد اساسی در مشاوره ازدواج	
فصل شانزدهم: مسائل منحصر به نقش زن و مرد در ازدواج: بخش اول - زنان	
فصل هفدهم: مسائل منحصر به نقش زن و مرد در ازدواج: بخش دوم - شوهران	
خلاصه مطالب	

فصل چهاردهم

خیال ها و راه حل های باطل

خیال های زیادی راجع به مسائل زناشوئی و راه حل های آن موجود است. مشاوران مسیحی باید با آن ها آشنا باشند، نه تنها بخاطر آنکه خود را از آن دور نگاه دارند، بلکه بتوانند آن ها را در افکار متقاضیان تشخیص دهند. بعضی از این خیال ها تصور های غلط خود مشاور هستند. بعضی دیگر از دوستان خوش نیتی سر چشمه می گیرند که هیچ شناختی از اصول کلام خدا ندارند یا با آن ها مخالف هستند. قسمت مهمی از کار مشاور، از میان بردن طریق تجزیه و تحلیل غلط مسائل و راه حل های غلط آن است. در نتیجه نه تنها او باید فهم آن ها را داشته باشد، بلکه بتواند دلیل باطل بودن آن ها را نیز شرح بدهد.

شاید رایج ترین تصور غلط این است که ازدواج که خراب شده را می توان ”تعمیر“ کرد. چنین افکاری نشانه انتظار ناچیزی است که مردم دارند. امید کمی را دارند، و حاضرند با راه حلی که ارزش ندارد سازش کنند. چنین افکاری نیز پشت صحبت هائی چون ”خوب، باید با وضع بدی که پیش آمده سعی کنیم به گونه ای بسازیم“ یا ”اگر حد اقل بتوانید ما را به جایی که قبل وقوع این مسئله بودیم برسانید کافی خواهد بود“.

بر عکس تمام این راه های دنیوی، راه مسیحی آن گونه است که تمام مسائل را حل می کند، نه تنها تعدادی از آن ها یا تا اندازه ای از آن ها. در رومیان ۵: ۲۰ راجع به کامل بودن فیض خدا می خوانیم:

رومیان ۵

۲۰: حال، شریعت آمد تا نافرمانی افزون شود؛ اما جایی که گناه افزون شد، فیض بی نهایت افزونتر گردید.

این آیه اطمینان می دهد که وقتی عیسی مسیح با گناه روبرو می شود، بیش از نیازی که داریم عمل خواهد کرد. خواست او این نیست که چیزی را تعمیر کند یا حتی اوضاع را به شکل قبل در آورد. خواست او این است که آنچه بدی هست را بی نهایت خوب کند. او با چیزی کمتر از آن راضی نخواهد شد.

مشاور مسیحی نیز نباید با چیزی کمتر از آن راضی باشد. او باید بخواهد زندگی زناشوئی و مسائلی که دارد را به جایی بهتر از همیشه برساند. همراه عیسی مسیح، خواست او این است که ازدواج بدی را به گونه ای که می درخشد برساند.

در نظر داشته باشید که نجات نه تنها گناه را از میان می برد. عیسی مسیح راهی را فرا تر از بازخرید آنچه ”آدم“ در باغ عدن از دست داده بود پیمود. او انسان را به جایی رساند که هیچ زمانی نرسیده بود، حتی در باغ عدن. آدم را به ”اندک زمانی پایینتر از فرشتگان“ (عبرانیان ۲: ۷) ساخت، و وقتی آدم گناه کرد بیشتر پائین افتاد. ولی با صعود عیسی مسیح به آسمان و نشست او در دست راست خدای پدر، او انسانیت را بالاتر از فرشتگان، و در سطح تخت سلطنت خدا رساند. این همان است که در کتابی به همین نام، ”بیش از بازخریده شدن“ نوشتم.

در جایی که گناه در زندگی زناشوئی ”افزون“ شود، فیض خدا می تواند آن ازدواج را به طوری تغییر دهد تا فیض دریافت شده بیشتر از تمام گناه بگردد (رومیان ۵: ۲۰). خدا با حل مسئله فرزندانش را به طبقاتی بالاتر از همیشه می رساند. در نتیجه مشاوران نباید اجازه دهند تا متقاضیان چشم به چیزی

کمتر از آن بدوزند. اهداف ضعیف پیشرفت های ضعیفی را ایجاد می کنند. خدا حتی خشم انسان را باعث ستایش خود می کند،

مزمور ۷۶

۱۰ الف: به یقین که خشم بشر به ستایش تو می انجامد،

تصور دیگری که باید در مقابل آن ایستاد، آن است که می گوید: ازدواج بقدری خراب شده که ”امکان تغییر دادن آن وجود ندارد“. اگر در تصور قبلی امید کمی وجود داشت، در این جا کلاً وجود ندارد. پس چرا کسانی که اطمینان دارند از دواچشان امیدی ندارد در خواست مشاوره مسیحی را می کنند؟ چون یا می خواهند بدانند چگونه آن را تحمل کنند، یا آن را با در دسر کمتری حذف کنند. مشاور مسیحی نباید هیچ یک از این ها را قبول بدارد. بجای آن می گوید: ”خیر این امکانی نیست که خدا می دهد. شما تنها یک امکانی را دارید: تغییر کنید، به طریق خدا و با قدرتی که از اوست.“

مشاور باید به متقاضیان اطمینان بدهد که تغییر امکان پذیر هست، و ممکن است اشاره به آیاتی که چنین امیدی بر آنها استوار است بنماید. من همه را در اینجا بیان نخواهم کرد؛ هر مشاوری با آن که دوست دارد استفاده کند آشنا هست. ولی بگذارید یکی که امید زیادی به کسانی که مرتکب گناه فجیح شده اند را نشان کنم:

اول قرن نهم

- ۹ : آیا نمی دانید که ظالمان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد؟ فریب نخورید! بی عفتان، بت پرستان، زناکاران، همجنس بازان چه فاعل و چه مفعول
- ۱۰ : دزدان، طمع ورزان، میگساران، ناسزاگویان و شیادان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد.
- ۱۱ : بعضی از شما در گذشته چنین بودید، اما در نام عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و پارسا شمرده شده اید.

این آیات زندگی شرم آوری را نشان می دهد، و با این وجود پولس میگوید، ”بعضی از شما در گذشته چنین بودید، اما در نام عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و پارسا شمرده شده اید“. در این آیه امید فراوانی هست. با وجود هر چه شخصی با آن درگیر است، چه همجنس بازی، زنا، حرس و طمع، دزدی، یا داعم الخمری (همه آنچه بعضی ها می گویند مشاوره در خصوص آنها بی فایده است)، خدا می گوید او میتواند آن را پشت سر بگذارد، همان گونه که قرن نهم کردند (”بعضی از شما در گذشته چنین بودید“). ضمناً توجه کنید که خدا می گوید ”شما در گذشته چنین بودید“، به این معنی که حال نیستید. در این بیانیه امید زیادی برای تغریباً همه مسائل زناشوئی موجود است.

مسئله سوم به این شکل مطرح میشود: ”ولی من دیگر احساس نمی کنم او را دوست دارم“. در چنین حرفی دو فرضیه اشتباه وجود دارد. اول آنکه برای دوست داشتن کسی لازم است احساس خوبی را برای او داشت، و دوم آنکه کاری در مقابل آن نمی توان کرد. هر دو این فرایض اشتباهند. مثال شوهری که نسبت به گناه زنا توبه کرده را در نظر بگیریم. او حقیقتاً میخواهد وضع تغییر کند ولی اعتراف می کند که ”من هنوز احساس خوبی به آن زن دارم، و برعکس هیچ احساسی نسبت به هسرم ندارم“. شما برای او چکار می توانید بکنید؟

آنچه در ابتدا باید به او گفت این است: ”شما دارید در جای اشتباهی سرمایه گذاری می کنید“. در جایی که گنج شما هست، در همانجا نیز دل شما خواهد بود. منظور از دل، همه آنچه بر درون شما است که شامل منافع و احساسات شما نیز می باشد. او ممکن است موضوع را درک نکند و در نتیجه شما باید به آن ادامه دهید:

”آیا عکسی از آن زن در دست خود دارید؟“
”بله“

”آن را بمن بدهید“

”با آن چکار خواهید کرد؟“

”واضح است، آن را خورد کرده و به سطل آشغال خواهم انداخت. اگر حقیقتاً توبه کرده باشید، کرداری شایسته توبه (اعمال ۲۶: ۲۰) خواهید داشت. و این قدم شروع خوبی است. آیا کلید درب خانه او را دارید؟“
”بله“

”پس آن را هم بمن بدهید. من آن را در پاکتی خواهم گذاشت و شما آدرس آن زن را روی پاکت بنویسید. حال آن را به همسران خواهم داد تا آنرا به آن زن پست کند.“
”آیا چیز دیگری هست که باعث میشود احساس شما نسبت به او زنده بماند؟ آیا با ماشین از جلوی خانه او رد میشوید؟ یا“

و به این طریق باید ادامه یابد. باید جلوی تمام سرمایه گذاری که در بانک بیگانه میکند گرفته شود، و حساب آن بسته گردد.

ولی این کافی نیست. بر طبق اصل ”از تن در آوردن/ در بر کردن“، او همچنین باید سرمایه گذاری زیادی را در همسرش بکند. به آن معنی که باید وقت و کوشش و محبتش را به او بدهد. وقتی آن ها را از قصد، و بطور دائم انجام داد، طول نخواهد کشید که احساسش نسبت به او نیز تغییر خواهد کرد (دلش آن جایی که گنجش هست خواهد بود).

تصور دیگری به شکل آنچه یک یا هر دو طرفین می گویند ”مسئله آنقدر ها مهم نیست“ خود را نشان می دهد. به عبارت دیگر مسائل را درجه بندی می کنند و این مسئله را دست کم گرفته اند. اما مشاور بجای دست کم گرفتن کلام خدا را به یادشان می اندازد:

رومیان ۵

۲۰: حال، شریعت آمد تا نافرمانی افزون شود؛ اما جایی که گناه افزون شد، فیض بی نهایت افزونتر گردید.

تصور غلط دیگر آن است که می گوید، ”تنها چیزی که لازم داریم تعطیلات است“. در جواب مشاور می گوید:

”من شک نمی کنم که احتیاج به تعطیلات دارید، ولی تعطیلات مسئله شما را حل نمی کند. بگذارید اول مسئله را حل کنیم و سپس خواهید توانست در تعطیلات خوش بگذرانید.“

با مسائل باید روبرو شد، نه از آنها فرار کرد. وقتی کسی که به خاطر فرار از مسائل به تعطیلات پناه می برد، یا آن ها را همراه خود می برد و یا موقع برگشت از تعطیلات دوباره با آن ها مواجه می شود. آنچه لازم است این است که مسئله گناه تشخیص داده شود. در بهشت خدا مسئله ای وجود ندارد. گناه همیشه موضوع جدی می باشد و باید از طریق کلام خدا به آن رسیدگی کرد. توبه، آشتی، و ایجاد رابطه جدید با خدا و یکدیگر لازم است.

نوع طفره دیگری که مشاوران با آن روبرو می شوند آن است که می گوید، “مسئله با مرور زمان از بین می رود”. چنین برداشتی فرض بر آن دارد که مسئله با چشم پوشی حل خواهد شد. اما معمولاً مسائل کمتر به خودی خود از بین می روند، حتی آنانی که از طریق گناه خودمان ایجاد شده اند. داشتن چنین افکاری خیال بافی است. نادیده گرفتن مسائل اجازه می دهد تا بزرگتر نیز بشوند. ممکن است بتوانید آن ها را برای مدتی نادیده بگیرید، ولی نهایتاً به اوج خود خواهند رسید. بهتر آن است که هر چه زودتر به آن ها از طریق کلام خدا رسیدگی کنید.

خیال بافی بزرگتری از آن این است که می گوید، “مسئله ای وجود ندارد”. به عبارت دیگر می گویند، “چه مسئله ای!” این اغفال کردن خود بیش نیست. من شخصاً شاهد این گفتگو بوده ام: زن: “زندگی زناشویی ما دارد از بین می رود”.

شوهر: “به نظر من هیچ مسئله ای وجود ندارد. او همه چیز را بزرگ می کند” مشاور: که با چنین وضعی روبرو می شود چه باید بکند؟ او بعنوان مثال چنین حرفی را می زند: مشاور: “خوب من در حال حاضر اطلاع زیادی از مسئله شما ندارم، ولی میدانم که مسئله مهمی را دارید”

زن و شوهر: “چه مسئله ای؟” مشاور: “اگر بر چنین موضوع مهمی که آیا زندگی زناشویی شما دارد از بین می رود یا نه توافق ندارید، شما مسئله اختلال روابط با همدیگر را دارید. بهتر است از همین جا شروع کنیم” و بالاخره، راه حلی “مدرن” و بسیار خطرناک که امروزه برای مسائل زناشویی رواج یافته می گوید، “ما تصمیم گرفته ایم بخاطر آنکه بهتر بتوانیم راجع به این موضوع فکر کنیم، برای مدتی از هم دور شویم”. این پیشنهاد بد بخت کننده، با ارائه آرامشی دروقین که با فرار از مسئله سرچشمه گرفته، تغریباً همیشه امید واقعی را از میان می برد. علاوه بر این اول قرنیتان ۷: ۵ را نقص می کند:

اول قرنیتان ۷

۵: پس یکدیگر را محروم نکنید، مگر با رضای یکدیگر و برای مدتی، تا وقت خود را وقف دعا کنید. سپس باز به یکدیگر ببیونید، مبدا شیطان شما را به سبب ناخوشتنداری در وسوسه اندازد.

از هم دور شدن (جدا شدن) کار نخواهد کرد. مشاورانی که چنین پیشنهادی را می کنند متوجه می شوند که نمیتوان دو نفر را با جدا کردن از یکدیگر دوباره به هم وصل کرد. آن دو باید با همدیگر همکاری کنند تا مسائلشان را از طریق خدا حل کنند، ولی نمیتوانند این کار را با جدا شدن از هم انجام دهند. همانطور که در کتابم “ازدواج، طلاق، و ازدواج دوباره” نوشتم، هر جای کلام خدا که در رابطه با ازدواج، از کلمه “جدا” استفاده شده، منظور جدا شدن از طریق طلاق است. طرز فکر مدرن “جدائی قانونی” جایی در کلام خدا ندارد، و بطوری که در آیه قبل دیدیم، جدائی، چه قانونی و غیره، قدغاً اعلام شده می باشد.

من بطور سریع راجع به تعدادی از خیال ها و راه حل های باطلشان صحبت کرده ام. با هر یک آشنا شوید و آماده پاسخ به آن ها باشید.

تکلیف

برای شناخت بیشتر از این مسائل و طریق رسیدگی به هر یک، شاگردی نقش همسری را بازی کند که چنین حرفهائی را می زند، و شاگرد دیگر نقش مشاور را بعهده گیرد که پاسخ می دهد. شاید در این راه طریق جدید پاسخ به این افکار اشتباه را نیز بدست آورید.